

از این زاویه، در سنت تاریخ‌نگاری اسلامی، سبک سیره‌نگاری به عنوان «مکمل ضروری در تدوین اصول و قواعد تاریخی تلقی می‌شود که منظور اصلی‌اش تحلیل و تعلیل نظام فکری و جهان‌بینی اسلامی است.»

با این وصف، به خوبی می‌توان دریافت که از مراحل آغازین سیره‌نویسی در سده‌ی اول و دوم هجری، که عموماً در قالب روایت و شرح حال نویسی ارائه و عرضه می‌گردید، تمایل درازمدت و نیرومندی پدید آمد که بر اساس آن عرصه‌ی اندیشه در اهمیت واقعی روایت به‌کار رفته و حتی خود را به منطق بازسازی تحلیلی ارتقاء داده است. تا آن‌جا که در تاریخ اسلام هرگونه تلاش برای گفتگو بین مذاهب و فرقه‌های مذهبی که در تاریخ‌نگاری اسلامی علم «ملل و نحل» خوانده می‌شود، بنا بر علمیت تشخیصی قرائت صحیح دین پیامبر ﷺ است و طبق اجتهاد و نقد، می‌توان موضوعاتی را قالب ریزی کرد که ارزش اساسی خود را از سنت و سیرت رسول خدا ﷺ اخذ کرده اند.^{۱۶} لذا سنت در مفهوم مذکور در برگیرنده‌ی مفاهیم اجتماعی و فقهی در برداشت از سنت پیامبر ﷺ است که در کنار قرآن به عنوان کتاب مقدس در زمره‌ی منابع دین‌شناسی به شمار می‌آید و از لحاظ شناخت آموزه‌های دینی واجد اهمیت فراوان است.

۴. مفهوم سنت در تفکر اسلامی

لازم به یادآوری است که سنت از نگاه اهل سنت شامل قول، فعل و تقریر پیامبر ﷺ است و از نگاه گروهی اندک شامل سنت صحابه نیز می‌باشد. اما سنت از نگاه اهل شیعه شامل پیامبر ﷺ، اکرم و اهل بیت علیهم‌السلام است و از این‌رو در باورداشت اندیشه‌ورزان شیعی، سنت در برگیرنده‌ی موضوعاتی متعدد در حوزه‌ی فقهی، اندیشه‌های سیاسی و زیرساخت‌های الزام‌آور حاکمیت در جامعه‌ی اسلامی است و در این شرایط بسیار طبیعی می‌نماید که تاریخ‌نگاری شیعه ذیل سیره‌نگاری، دارای جایگاه و کارکردهای فراوانی باشد. مسائل مذکور از نظر فرانس روزنتال^{۱۷} شالوده‌های معرفتی اندیشه‌های سیاسی اسلامی در تاریخ‌نگاری مسلمین را تشکیل می‌دهد و زمانی که این



پژوهشگر می‌کوشد تا از سرچشمه‌های تاریخ‌نگاری اسلامی سخن گوید و نحوه‌ی تأثیر انواع سنت‌های تاریخ‌نویسی از متون اسلامی و غیر اسلامی را به میان می‌کشد، (Rosenthal, 1962:35-46) ناخواسته این طرز تلقی را در ما به‌وجود می‌آورد که مقوله‌ی محوری و فهم متعارف اسلام در گرو هدف اسلامی است که از قبل توجه و تأمل در متون مقدس دینی به‌دست می‌آید و دقیقاً در چارچوب همین مفهوم ارتباطی است که سیره، واجد جایگاه الهام‌بخش فراوان است. چنان‌که مؤکداً گفته شد، این اهمیت در چارچوب طرحی از منابع تاریخی ظاهر می‌شود که در صورت‌بندی گفتمانی‌اش به عنوان هدف یا مقصد اسلامی، با دو حوزه‌ی شریعت‌نامه یا فقه و تداوم سنت در اندیشه‌ی سیاسی سخت در ارتباط است. مسلماً، چگونگی تصویر و درک یک جامعه از تداوم خود، پرسشی است که در اهداف سیره‌نگاری نهفته است و می‌توان آن را ویژگی تاریخ‌مندی یا منطق تبیینی این سبک از تاریخ‌نگاری اسلامی محسوب نمود که به عنوان عامل زیر بنایی، به پیامدهای روش‌شناختی مهمی در زمینه‌ی موضوعات، تجزیه و تحلیل و ارزیابی انجامیده است و خصلت‌های معرفتی و تاریخ‌نگاری آن را نشان می‌دهد.

۵. منطق تاریخی سیره‌نگاری

اگر بخواهیم از مباحث اشاره شده جمع‌بندی نهایی ارائه نماییم، باید بار دیگر به سؤال اصلی تحقیق بازگردیم که منطق تاریخی در سیره‌نگاری، مبتنی بر کدام اصول و ویژگی‌های رایج در تاریخ‌نگاری اسلامی است؟

باید توجه داشت از منظر سؤال مذکور، مورخی که مشغول تحقیق بر روی موضوع تاریخی خاصی است در وهله‌ی نخست باید اهداف و مقاصد کارگزاران تاریخی را که در جریان مطالعه و بررسی افعال آن‌ها است، درک کند؛ از جمله این‌که مورخان چه چیزی را شواهد، مدارک و یا تبیین تلقی می‌کنند و آیا نتایج بررسی آن‌ها واجد حقیقت عینی

است؟ و در چارچوب بحث پژوهش حاضر، آیا قضاوت‌های اخلاقی مرسوم درباره‌ی شخصیت‌ها در حوزه‌ی سیره‌نگاری، به روح علمی تاریخ‌نگاری آسیب می‌زند یا خیر؟ از نقطه نظر پژوهشی، راه حل اساسی در تبیین مسائل اشاره شده را باید در نحوه‌ی سازماندهی و تقسیم‌بندی‌های رایج در قلمرو موضوعی و مفهومی سیره‌نویسی جستجو کرد. در تفکیکی که پیشتر از آن بحث شد، اشاره کردیم که بر مبنای فرایندهای تحول تاریخی، مباحث سیره از شرح حال نگاری با رویکردهای اخلاق‌محورانه تا تحلیل و نگارش و نقد در مراحل متأخرتر در تطور و تغییر بوده است. لذا در این عاملیت تحول، روش‌شناسی‌ها و مفاهیم، بررسی متنوعی درباره‌ی نظام‌های مفهومی فکری و کلامی در منطق تحقیق و استدلال‌های سیره‌نگاران رایج شده و موضوعات بی‌شماری را می‌توان از آن‌ها در زمینه‌ی مواضع تاریخ اسلام استنباط و استنتاج کرد. به بیانی دیگر، نقطه‌ی شروع بحث با درک و فهم اندیشه، اهداف و مقاصد زندگی پیامبر ﷺ شروع می‌شود ولی در روند توسعه و ارتقای مداوم مفاهیم عمده و صور تبیینی در اشکال مفاهیم کلان اساسی و الزام‌های معرفت‌شناختی رواج بیشتری پیدا می‌کند. به همین نهج، فلسفه‌ی سیره‌نگاری هم چون فلسفه‌ی تاریخ، متضمن برداشت‌های «جوهری و تحلیلی» از وقایع و مسائل خواهد بود.^{۱۸} در این معنا، برداشت جوهری می‌تواند روایاتی پراکنده یا منسجم از رفتار و مقاصد رسول خدا ﷺ در آثار سیره‌نگارانی هم‌چون ابن اسحاق و ابن هشام و دیگران فرض گرفته شود و برداشت تحلیلی به مضامینی چون ارزش‌ها، مقاصد و معانی، قوانین حاکم بر شواهد و مستندات تلقی شود که سیره‌نگاران به‌واسطه‌ی آن در صدد توضیح، تنویر و دریافت معقولی از تاریخ و اندیشه‌ورزی اسلامی بوده‌اند. افزون بر این‌ها، اصطلاح تحلیلی در عبارت بالا، ناظر به بهره‌گیری از نقد و ارزیابی در زمینه‌ی مضمون‌سازی روایت در تاریخ‌نگاری اسلامی است و از آن جا که در طول تاریخ، آثار سیره‌نویسی در برخی مباحث یا موضوعات فرعی همواره در مظان اغراق، افسانه‌سرایي و خرافه‌گویی بوده است، رویکرد تحلیلی تلاش دارد که به تجدید نظر و بازبینی در جریان‌های فکری و انحرافی

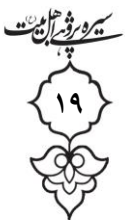


بپردازد. از این رو، در جریان روشمند یا ضابطه‌مند شدن سیره‌پژوهی در طول زمان تأکید بر مدارک، براهین و ارزیابی، جایگاهی ویژه پیدا کرده است. به این ترتیب و همان‌طور که از تمام بحث‌ها پیدا است، از لحاظ اصول تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نویسی تابع مقولات سیره‌نویسی را می‌توان در دو سطح تبیین روایی و عقلانی - استدلالی جمع‌بندی کرد.^{۱۹} در کل، تبیین روایی، ناظر بر نقل روایاتِ حوادث پیش و پس از بعثت و شرح حال دقیق و موشکافانه زندگی رسول خدا ﷺ به عنوان میزان سنجش اعتقادی مسلمانان است و تبیین عقلانی، به تحلیل و تعلیل روایت‌ها پرداخته و از قبل صورت‌بندی‌های گفتمانی، نظام فکری و فرهنگی اسلامی را به بحث و بررسی می‌گذارد. در واقع، این دو سطح تبیین، استراتژی اساسی در ساختار الگوی تاریخ‌نگاری سیره‌نویسی به شمار می‌آید و به مرزبندی و پیکره‌بندی مشخص بین روایت و تفسیر می‌انجامد.

در پایان بحث، جای دارد این نکته را اضافه کنیم که ترکیب و در آمیختن دو الگوی تبیینی اشاره شده، مختص به سیره‌نویسی نیست و شامل برخی انواع دیگر مکاتب تاریخ‌نگاری اسلامی نیز می‌گردد.^{۲۰} که در طول زمان و تحولات، پدید آمده و تکوین یافته است و امروز نمونه‌هایی فراوان از آن‌ها در دست است. اما، نکته‌ی چشم‌گیر و جالب توجه در سیره‌نویسی که راهبر بی‌بدیل آن محسوب می‌گردد، توجه به نظام اعتقادی و سنت اسلامی و مسأله‌ی ملازم آن یعنی جامعه‌ی انسانی است که با تصویر کلی پیشرفت و موفقیت در بستر تاریخ جهان اسلام و با این سبک از تاریخ‌نگاری اسلامی یعنی؛ سیره و سیره‌نگاری در هم آمیخته است.

نتیجه گیری

از مباحثی که مطرح شد می‌توان نتیجه گرفت؛ سیره‌نویسی از زمان پیدایش (اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم هجری) تا کنون مراحل مختلفی در توزیع مباحث را گذرانده است. در حالی که، سرشت اولیه و بنیادین سیره، مبتنی بر روایات زندگی پیامبر ﷺ بود، در مراحل بعدی تاریخی، فرایند پرداختن به سنن اعتقادی اسلامی مأخوذ از سنت رسول خدا ﷺ، جنبه‌های فکری و منطق بازسازی عقلانی نظام اسلامی را قوام بخشید و قلمرو موضوعی و مفهومی سیره‌نگاری را گسترش داد. متناسب با آن حوزه‌ی گسترده‌تر بررسی‌ها و اصول روش‌شناختی در خصوص وجوه جوهری و تحلیلی بین گفتمان‌ها ایجاد شد و در نهایت، سیره‌نگاری را به سوی یک هویت رشته‌ای با کاربردهای علمی در عرصه‌ی تاریخ‌نگاری اسلامی کشاند. در این چشم‌انداز تاریخی، و در اساسی‌ترین سطح، هدف از سیره‌نویسی تداوم سنت اسلامی بر پایه‌ی تقویت حس هویت جمعی است. در عرصه‌ی روش‌شناختی، این سبک از تاریخ‌نگاری به تبیین خاستگاه‌ها و ریشه‌یابی اندیشه‌ها و سنن اسلامی می‌پردازد و به مقولاتی توجه دارد که مسائل شناخت و تبیین تاریخ اسلام به شمار می‌روند و این ملاحظات در کل، ماهیت تاریخی یا تاریخیت سیره‌نگاری در مضامین و مفاهیم بنیادین نظم جاری جهان‌بینی اسلامی را نشان می‌دهد.





پی نوشت ها

۱. Francesco Gabrieli

۲. اصل اساس دانسته های تاریخ‌نگاری اسلامی حول باورها، ارزش‌ها و تاریخ‌اندیشه بر پایه قرآن و حدیث و سیره و سنت پیامبر ﷺ نظم و ترتیب می‌یابند. منابع ذیل، اهمیت این موضوع را بررسی کرده‌اند:

(Montgomery,1962:23-35&Zubair Mirza,2010:13-32&83-118)

و یک منبع مستقل دیگر، با این مشخصات:

Çakan,İsalam Lütifi,1996; Hadis Edebiyat, İstanbul/Türkiye, M.Ü.İ.F yayini.

۳. در چارچوب زمان‌بندی اشاره شده در متن بالا، افراد ذیل نخستین گام‌ها در تدوین سیره را برداشته‌اند. کسانی چون عروه بن زبیر (م ۹۴)، ابان بن عثمان (م ۱۰۵)، وهب بن منبه (م ۱۱۰)، عاصم بن عمر بن فتاده (م ۱۲۰)، شرحبیل بن سعد خطمی (م ۱۲۳)، محمد بن مسلم شهاب زهری (م ۱۲۴)، عبدالله بن ابی بکر بن حزم (م ۱۲۵)، موسی بن عقبه (م ۱۴۱)، معمر بن ابی راشد (م ۱۵۰). اما در این میان، ابن اسحاق (م ۱۵۹ یا ۱۵۰) و ابن هشام (م ۲۱۸ یا ۲۱۲)، نخستین کسانی بودند که به صورت جامع و مشخص به تدوین و نگارش سیره پیامبر ﷺ پرداخته‌اند. برای آگاهی بیشتر، نک:

(Zaimeche,2007:4-18;İhsan Hacı Oğlu,2008:8-13;Köksal, 1966:404-408)

۴. باید تصریح داشت که مورخ اشاره شده، اولین مورخی است که در غالب نوعی تاریخ‌نگاری منسجم، زندگی نامه‌ای از حضرت محمد ﷺ به نام «سیره رسول الله ﷺ» را به رشته تحریر در آورده و بدین لحاظ، سیره او بیشترین اصالت را در بین سیره‌های موجود داراست. درباره موارد اشاره شده و در کل شیوه تاریخ‌نگاری ابن اسحاق، به منابع پیش رو مراجعه شود:

جعفریان، ۱/۱۳۸۰: ۴۶-۴۵؛ Montgomery,1962:23-35

Zaimeche,2007:3-4 Köksal,1966:404&407-408; Kitapçı:1994:132;

و در مورد ابن اسحاق، مباحث مبسوطی در منبع ذیل موجود است، نک:

Tahk.Muhammed Hamidullah,1988; İBn Isahak Muhammed b. İsaahak b.Yesar;Siret' ü İbin İshak Kitabü'l Meğazi.y.y.Türkiye.

۵. در مورد ویژگی‌ها، مشخصات و سنن تاریخ‌نگاری اعراب پیش از ظهور اسلام تحقیقات فراوانی صورت پذیرفته است. در خصوص آشنایی با مطالب ارائه شده در متن، و نیز آشنایی بیشتر در موضوع تاریخ‌نگاری اعراب قبل از ظهور اسلام، نک:

Franz Rosental,1968; A History of Muslim Historiography, Liden. E.j,Brill; Francesco Gebrieli and M.S Khan,1979;Arabic Historiography Voll 18,No 2 ,Islamic research institute, international Islamic university, Islamic study, Isalamabad&Günaltay, m.

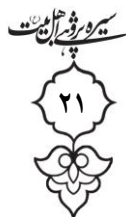
Şemseddin,1991; İslam Tarihi kaynaklari; Tarih ve Mühaverrile, Haz yüksek kanar, endülüs yayınlari, İsatanbul, Türkiye.

۶. ابو محمد عبدالملک بن هشام، تاریخ‌نگار مسلمان عمده شهرت خود را مرهون ویرایشی است که روی زندگی نامه حضرت محمد پیامبر اسلام ﷺ، نوشته ابن اسحاق انجام داده است که با عنوان سیره ابن هشام یا السیره النبویه لابن هشام شناخته می شود. (Montgomery,1962: 32-34 & Zamimeche,2007:3-4) و برای آگاهی بیشتر از زندگی‌نامه و اهمیت منبع مذکور، نک. قسمت مقدمه، عبدالملک ابن هشام، (۱۳۷۵)، تصحیح مصطفی السقا، ابراهیم الایاری و عبد الحفیظ شلبی، السیره النبویه، بیروت. دارالوفاق.

۷. رای استنباطی مشابه، نک:(Firdous, 2016:22).

۸. همسو با اهداف اشاره شده در متن تحقیق حاضر، برای نمونه محتویات کتاب های ذیل، مباحث متنوعی از مسائل مبهم ارزشی اسلامی را در تأسی به زندگی رسول خدا ﷺ نشان می‌دهد. نک: (مظاهری، ۱۳۸۹: ۱۶-۱۵ و ۳۶-۵۷ و Zubzir Mirza,2010:32-312).

۹. نظام ارزشی در مفهومی که در بالا بدان اشارت شده، بر مبنای واقع‌نمایی ارزش‌های اسلامی استوار است و از این نظر، واجد معرفت تاریخی بر اساس حقیقت تمام است. لازم به یادآوری است که درگیر شدن مورخ در الگوهای ارزشی از جمله مباحث چالش برانگیز در





حوزه فلسفه و روش شناسی تاریخی است و در این موضوع نظرات متفاوتی مطرح شده است. برای آگاهی از برخی از این نظرات، نک: (پمپا، ۱۳۷۹: ۲۰۲-۲۰۰).

۱۰. به طور مثال، این منبع در برگیرنده مباحثی در حوزه سیره اجتماعی به شمار می رود. ذیل مباحثی چون شخصیت و رفتار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (پور امینی و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۷۹-۱۶۷) و سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (همان: ۱۸۵-۱۷۹).

۱۱. برای اطلاع از برخی مولفه ها و مختصات رایج در مباحث نظری سیره نویسی حول مباحثی که در متن بدان اشاره شده است، نک: (firdous,2016:25-26 and 28-39) و نیز، یک منبع مستقل دیگر که مشخصات آن، بدین قرار است:

ahmad Abu zeyd,2003; The Life of The Prophet, Translated Ahmad Chaabih, Correction of the fallacies in the encyclopedia of islam, published by Brill, Leiden,Holland

۱۲. رسول جعفریان پژوهشگر معاصر، در خصوص برخی مسائل خرافی در سیره نگاری مباحث چندی را مطرح کرده است، برای آگاهی بیشتر در این رابطه، نک: (جعفریان، بی تا: ۱۲۰-۱۱۰).

۱۳. در این باره، چند منبع پژوهشی معتبر در اختیار است. برای نمونه، منبع پیش رو به نقد برخی نظرات متفکران غربی پرداخته است. (نعیم، ۱۴۱۷: ۵۲-۳۲ و ۱۰۹-۵۷) و نیز منبع ذیل، دیدگاه های مستشرقان انگلیسی و آلمانی در خصوص زندگی حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را بررسی و تنقید نموده است.

(Sarıçam,Özdemir ve Erşahin,2011:1- 113ve diger sayfalar)

۱۴. کتاب با این مشخصات چاپ شده است، سید جعفر مرتضی عاملی (۱۴۲۶)، *الصحيح من سيرة النبي الأعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قم: دارالحدیث.*

۱۵. مشخصات کتاب، بدین قرار است، علامه محمد حسین طباطبایی، (۱۳۷۹)، *سنن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ*، ترجمه حسین استاد ولی، تهران: پیام آزادی.

۱۶. برای آگاهی مختصری از گفتمان های رایج بین مذاهب اسلامی، نک: (Firdoud,2016:26-29).

۱۷. Franz Rosenthal

۱۸. تطبیق تقسیم‌بندی‌های رایج در فلسفه تاریخ با ماهیت و تاریخ‌مندی سیره‌نگاری از طرف نگارنده پژوهش حاضر صورت پذیرفته که آنها را با خصلت‌ها و ویژگیهای فلسفی مناسب یافته است. برای اطلاع از جزئیات بیشتری در زمینه فلسفه تحلیلی یا انتقادی و فلسفه جوهری یا نظری تاریخ، نک: (اتکینسون، ۱۳۷۹: ۵۰-۲۳).

۱۹. برای مباحث مبسوطی در خصوص تبیین‌های تاریخی، نک: (اتکینسون، ۱۳۷۹: ۵۰-۳۸ و استنفورد، ۱۳۸۸: ۳۵۱-۳۰۲).

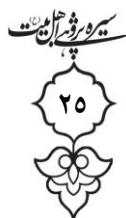
۲۰. برای آگاهی بیشتر از روش‌ها و مکاتب تاریخ‌نگاری اسلامی، خاصه در ذیل مباحث مربوط به روش‌های روایی و تحلیلی، نک: (عالم زاده و سجادی، ۱۳۸۰: ۴۷-۳۷).



منابع و مآخذ

۱. ابن هشام، عبدالملک؛ ۱۳۷۵، *السيرة النبوية*، تصحيح: مصطفى السقا، ابراهيم الابياري و عبدالحفيظ شلبي، بی جا: دارالوفاق.
۲. اتکینسون، آر. اف؛ ۱۳۷۹، *فلسفه تاریخ: نگاهی به دیدگاه های رایج در فلسفه معاصر تاریخ، روش شناسی و تاریخ نگاری، اتکینسون و دیگران*، ترجمه و تالیف: حسینعلی نوذری. تهران: انتشارات طرح نو.
۳. استنفورد، مایکل؛ ۱۳۸۸، *در آمدی بر تاریخ پژوهی*، چ ۴، ترجمه: مسعود صادقی، تهران: سمت.
۴. النعیم، عبدالله محمد امین؛ ۱۴۱۷، *الإستشراق فی السیرة النبویة*، *دراسة تاریخیة لآراء وات، بروکلمان، فلهاوزن، مقارنۀ بالروية الإسلامية*، چ ۱، بی جا: المعهد العالمی للفکر الإسلامی.
۵. پمپا، لئون؛ ۱۳۷۹، *فلسفه تاریخ: چارچوب های اساسی در آموزش فلسفه مدرن تاریخ، فلسفه تاریخ، روش شناسی و تاریخ نگاری*، اتکینسون و دیگران، ترجمه و تالیف: حسینعلی نوذری تهران: انتشارات طرح نو.
۶. پور امینی، محمد باقر (تنظیم، تحقیق و تدوین) و گروه مولفان؛ ۱۳۸۷، *پیامبر اعظم ﷺ: سیره و تاریخ*، چ ۴، قم: دفتر نشر معارف.
۷. جعفریان، رسول؛ ۱۳۸۰، *تاریخ سیاسی اسلام، سیره رسول خدا ﷺ*، قم: انتشارات دلیل ما.
۸. _____؛ بی تا، *برخی عوامل تحریف در جریان سیره نگاری*، مجله نور علم، ش ۴۹.
۹. عالم زاده، هادی. سجادی، سید صادق؛ ۱۳۸۰، *تاریخ نگاری در اسلام*، تهران: سمت.
۱۰. عاملی، سید جعفر مرتضی؛ ۱۴۲۶، *الصحيح من سيرة النبي الأعظم ﷺ*، قم: دارالحدیث.
۱۱. طباطبایی، علامه محمد حسین؛ ۱۳۷۹، *سنن النبي ﷺ*، ترجمه: حسین استاد ولی، تهران: پیام آزادی.
۱۲. مظاهری، حسین؛ ۱۳۸۹، *سیر و سلوک (مقدمه سلوک معنوی در پرتو نور، قرآن و عترت)*، چ ۲، قم: موسسه فرهنگی و مطالعاتی.

۱۳. Abu zeyd.Ahmad ,(2003),*The Life of The Prophet*, Translated Ahmad Chaabih, Correction of the Fallacies in the Encyclopedia of Islam, Published by Brill, Leiden: Holland.
۱۴. Bhat.Samee-Ullah,(Spring 2014), *Towards Understanding the Musli Historiography and Muslim Historians*, Jurnal of Islamic Thought and Civilization, Voll, Issue I.
۱۵. Firdous.Shumaila, (January – June 2016), *Historiography of the Caliphate the Biritish India* (1857–1974), China, History College, Nanjing University, Jurnal of Historical Studies, Voll.II. No.I: 21–39.
۱۶. Gabrieli. Francesco, (1962),*The Arabic Historiography of the Crusades*, Historians the Middle East, edited by Bernard Lewis, P.m. Holt, London: Oxford University Press: 98–108
۱۷. Gebrieli. Francesco and M.S khan, (1979), *Arabic Historiography*, Voll 18, No 2, Islamic Research Institute, International Islamic University, Islamic Study, Isalamabad.
۱۸. Rosenthal. Franz, (1962),*The Influence of The Biblical Tradition on Musslim Historiography*, Historians the Middle East, edited by Bernard Lewis, P.m. Holt, London: Oxford University press: 35–46.
۱۹. -----, (1968), a History of Muslim Historiography, Liden: E, j, Brill
۲۰. W.Montgomery.Watt, (1968),*The Materials Used by IbnIshaq*, Historians the Middle East, Edited by Bernard Lewis, P.m. Holt,London: Oxford University Press: 23–35.
۲۱. Zaimche.Salah ,(2007), *Muslim Historians*, Chief Editor, Mohamed el- Gomati, United Kingdim, Manchester.
۲۲. ZubairMirza. Sarah, (2010),*Oral Tradition Scribal Convention In The Documents Attributed To The Prophet Muhammad*. (A dissertation Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the theDegree of Doctor Philosophy, Near Eatern Studies, in the University of the Michigan.
۲۳. Çakan.İsalam Lütffi, (1996), *Hadis Edebiyat*, Türkiye/ İstanbul: M.Ü.İ.F yayini.
۲۴. Günaltay. M. Şemseddin, (1991), *İslam Tarihi kaynaklari; Tarih ve Mühaverrile*, Haz yüksek kanar, endülüs yayinlari,Türkiye/ İstanbul.



٢٥. Hizmetli.Sabir, (1991), **İslam Tarihi(Başlangıçtan İlk Dört Halife Sonuna Kadar)**,Anakara Üniveritesi, İlayiyat fakültesi yayınları, Türkiye/Anakara
٢٦. İhsanHaci Oğlu.**Muhammed** , (2008), *Sabir Paşa'nın Mahmüd'usu- Siyer'I*, Yüksek lisan tezi, (T. C. Gazi Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü İslam Tarihi ve Sanatları Ana Bilim Dalı) İslam Tarihi Bilim Dalı, Türkiye/ Anakara.
٢٧. Kitapçı. Zekeriya , (1994), **Yeni İslam Tarihi ve Türkler**, Vol 1-2, E G kitapçı, Türkiye.
٢٨. Köksal. Masim, (1966), **Hazreti Muhammed (Aleyhisselam) ve İslamiyet**, Ötüken Neşriyat Öğretmenler Matbaası, Türkiye: Ankara/ İsatnbul
٢٩. Sariçam. İbrahim; **Özdemir.Mehmet; Eeşahin. Seyfettin**, (2011), *İngiliz ve Alman Oryantalisterin Hz Muhammad Tasavvuru*, fikri ve kültür eserleri, voll II, nobel yayın dağıtımı, Türkiye/Anakara.
٣٠. Tahk.Muhammed Hamidullah, (1988), **İBn İshak Muhammed b. İshak b.Yesar;Siret' ü İbin İshak kitabü'l Meğazi.y.y**, Türkiye.